

رویکرد عالمانه به مهدویت، در بیان رهبرمعظم انقلاب اسلامی

مصطفی صادقی کاشانی^۱

چکیده

بحث از مهدی و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه با رویکردهای مختلفی می‌تواند ارائه شود. در این میان، اهمیت «رویکرد علمی» و توجه به زوایای متقن بحث بر دانشمندان و اهل تحقیق پوشیده نیست و از این رویکرد گاه در میان جنبه‌های تبلیغی و عاطفی غفلت شده است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبری سیاسی، اجتماعی به این دو جنبه سیاسی و اجتماعی مقوله مهدویت و مباحثی مانند انتظار، حکومت عدل و نقش امید به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه در مقابله با ستمگران و دشمنان اسلام و تشیع؛ توجه ویژه دارد. با این حال، ایشان به دلیل مسئولیت رهبری مذهبی و جایگاه علمی، در بیانات و نوشته‌های خود، در این زمینه مخاطبان را به نکات تخصصی و عالمانه توجه داده است. مقاله حاضر به بررسی این نکات از دیدگاه ایشان می‌پردازد. تأکید بر اصالت موعود و اتفاق نظر صاحبان ادیان و مذاهب بر آن، عدم جمود بر روایات در مورد زمان حکومت مهدی و نهی از خرافات و مطالب ضعیف، از مواردی است که می‌توان به عنوان رویکرد عالمانه به مهدویت از دیدگاه رهبری اشاره کرد.

واژگان کلیدی: مهدویت، رویکرد عالمانه، محکمت، آیت الله خامنه‌ای عجل الله تعالی فرجه الیه.

مقدمه

بحث از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در میان مسلمانان و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف در شیعه با رویکردهای مختلف و از منظرهای گوناگونی می‌تواند انجام شود. بنای بحث گاه علمی است و گاه رویکرد تبلیغی و ترویجی غالب است. موضوع مهدویت به دلیل اهمیتی که در میان مسلمانان دارد و نیز نیاز عمومی جوامع به منجی، به خصوص در برخی دوران، به رویکردی عامیانه و آمیخته به آسیب‌ها، ادعاهای دروغین، سوء استفاده از باورها و جعل و تحریف و رفتارهای نادرست دچار شده است. در این میان دسته‌ای از عالمان و رهبران دینی با اندیشه «نص‌گرایی» به هر گونه خبری درباره مهدویت اعتماد کرده و برخی دیگر با درایت و تفکر بیش‌تری در این زمینه سخن گفته یا قلم زده و مردم را از سوء استفاده‌ها و خرافات بر حذر داشته‌اند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته الله علیه، از جمله رهبران دینی و سیاسی است که مطالب و بیانات بسیاری درباره مهدویت و امام دوازدهم شیعه دارد. مقاله حاضر با این پرسش که «رویکرد عالمانه چه جایگاهی در دیدگاه‌های ایشان دارد؟» به بررسی آثار و بیانات وی می‌پردازد.

برای این نوشتار پیشینه‌ای یافت نشد و آثاری که به بررسی دیدگاه‌های رهبری پرداخته‌اند، درباره رویکرد عالمانه به مهدویت سخن نمی‌گویند؛ از جمله در بهمن ۱۳۹۸ همایشی با عنوان «نظریه انتظار در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای رحمته الله علیه» از سوی پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی و دیگر مراکز مهدوی برگزار شد که مقالات بسیاری به این مسئله پرداخت و مقاله حاضر نیز در جهت آن همایش است (ر.ک: چکیده مقالات). به همین دلیل در این جا به مباحث مربوط به انتظار پرداخته نمی‌شود.

الف) کلیات

«علم» در لغت به معنای دانش و دانستن، نقیض جهل است (خلیل، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۱۵۲)؛ اما معنایی که این‌جا مورد نظر است، «اتقان»، یعنی استواری است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۴۱۸). منظور از رویکرد عالمانه نگاه محکم، مستند و واقعی به مطلب است؛ بر خلاف نگاه سطحی؛ چنان‌که در بیانات رهبری درباره مهدویت به این معنا اشاره شده است: «کارهای علمی و دقیق و متقن روی این مسئله انجام بگیرد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸). با توجه به این



معنا، ساختار مقاله حاضر با بهره‌مندی از آیه هفتم سوره آل عمران^۱ به دو دسته «محکّمات» و «متشابهات» تقسیم شده است.^۲ بی‌تردید بحث پیش‌رو با کلام الهی قابل مقایسه نیست و معنای دقیق محکم و متشابه در قرآن با آنچه در این‌جا مورد نظر است، تفاوت دارد؛ اما هدف، وام‌گیری از این دو واژه و نزدیک بودن مفاهیم است؛ زیرا در موضوع مهدویت نیز دو دسته مباحث محکم و غیر محکم وجود دارند.

از سوی دیگر معارف دینی، علم را دو گونه تصویر کرده‌اند: یکی دانش سودمند و دیگر، معلوماتی که نفعی برای انسان ندارد. امیرمؤمنان در وصایای خود به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: «لا خیر فی علم لاینفع؛ دانشی که سودمند نیست، ارزش ندارد» (سیدرضی، ۱۴۱۷: نامه ۳۱، ص ۱۲۵ و حرّانی، ۱۳۶۳: ص ۷۰). از این رو اهل بیت علیهم السلام در دعا‌های خود آموخته‌اند که از علم بی‌فایده به خداوند پناه ببریم (طوسی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۷۵). از روش‌های تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای آن است که به مباحث بی‌فایده یا کم‌فایده توجهی ندارند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ص ۲۷). مثلاً از بحث درباره آرزو و نسبت او با حضرت ابراهیم علیه السلام عبور کرده و معتقدند اگر هم در این زمینه چیزی بدانیم، فایده‌ای بر آن مترتب نیست (همان، ۱۳۹۶: ص ۷۰۷). این موضوع در بخشی از مباحث مهدویت نیز جاری است، مانند احوال شخصی و محل زندگی و ازدواج و نسل مهدی علیه السلام که بدان اشاره خواهد شد.

بنابر آنچه گذشت، منظور از رویکرد علمی در این نوشتار، مطالبی است که اولاً، به مرحله اتقان و احکام رسیده و ثانیاً، سودمند باشند. آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص مباحث مهدوی و در دیدار مراکز علمی مهدویت، بر کار عالمانه و همراه با دقت تأکید و از کار عامیانه و جاهلانه و دور از معرفت، غیر متکی به سند و مدرک در مسئله مربوط به امام زمان، به شدت نهی می‌کند (بیانات در دیدار استادان و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۰۴/۰۸). از نقل‌های ضعیف و همچنین از روایات ضعیف هشدار داده و می‌گوید:

۱. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ» (آل عمران: ۷).

۲. نگارنده نخستین بار در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۴ در نشستی با عنوان «محکّمات و متشابهات مهدویت» در پژوهشکده تاریخ اسلام به این تقسیم‌بندی پرداخت.

چنانچه دیدید آن سخن، پایه‌هایش محکم نیست، چه به صورت معجزه و چه به صورت دیگر، از ترویج آن جلوگیری کنید. ما به این سخنان احتیاجی نداریم. سخن منطقی، محکم و قوی فراوان داریم (بیانات در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۸۲/۰۲/۲۰).

در جای دیگری نیز تأکید دارند که به سخنان ضعیف نیازی نیست و روایات باید تنقیح شوند (بیانات، ۹۳/۰۳/۲۱).

رهبری در جایی که مطلب از نظر علمی محل بحث و گفت‌وگوست، به آن توجه داده است. مثلاً با اشاره به این روایت منسوب به امام حسین علیه السلام: «أما الحياة عقيدةٌ و جهاد»؛ می‌گوید: نمی‌دانم آیا این نسبت صحیح است یا نه؛ جمله حکیمانه و درستی است (بیانات رهبری، ۱۳۷۱/۱۱/۱۹). این تردید ناشی از آن است که عبارت مورد نظر در منابع حدیثی یافت نمی‌شود (رک: پژوهشکده باقر العلوم، ۱۳۷۳: ص «ح» و مطهری، ۱۳۷۷: ج ۲۳، ص ۱۷۱ و ۲۴۳). سخنان بسیاری از معصومان نقل می‌شود که هر چند ممکن است سخنی درست باشد؛ نسبت دادن این سخنان به معصومان، از نظر علمی و بر اساس ضوابط حدیثی ثابت نیست (رک: سیمایی، ۱۳۹۸). در جای دیگری بحث از ولایت را به خاطر نفوذ مسائل ضعیف و سست، دشوار دانسته است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۹۱).

بحث از اصل مهدویت و جایگاه آن در ادیان و مذاهب، انتظار و مباحث صحیح درباره ظهور و آینده جهان، عالمانه تلقی می‌شود و مباحثی که درباره احوال شخصی، مانند خانواده و همسران و فرزندان یا محل سکونت و پیرایه‌های فراوانی که درباره ظهور بسته شده‌اند، این اتقان را ندارند و اصولاً پرداختن به این مباحث نه تنها سودمند نیست، بلکه در جاهایی مهدویت را با چالش روبه‌رو می‌کنند؛ زیرا چه بسا موجبات سوء استفاده عده‌ای را فراهم می‌کنند.

ب) محکومات

بخشی از مباحث مهدویت، از اعتبار بالایی برخوردارند و از نظر استواری و استحکام، مورد توجه همگان قرار دارند. اگرچه دسته‌ای از باورها به شیعه اختصاص ندارند و نزد همه مسلمانان، بلکه همه ادیان در مورد آن مطالب نوعی اتفاق نظر وجود دارد. در این جا به باورها و



روایاتی می‌پردازیم که دست کم شیعیان درباره آن اجماع و اتفاق دیدگاه دارند.

اصل مهدویت

این مطلب در دانش حدیث پذیرفته شده است که عالمان و محدثان، اصل مهدی و آمدن او را در پایان دنیا انکار نمی‌کنند؛ جز افراد معدودی از فریقین که بیش‌تر در میان اهل سنت هستند.^۱ رهبری همانند دیگر عالمان مسلمان، اذعان و تأکید دارد که اصل مهدویت نه تنها مورد اتفاق همه مسلمان‌ها از شیعه و سنی است، بلکه منجی در اعتقاد همه ادیان وجود دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۲۷ و ۴۸ و ۷۷).

«آن‌هایی هم که از مذاهب دیگر این عقیده را قبول ندارند، هیچ‌وقت نتوانستند دلیلی که عقل‌پسند باشد، بررد این فکر و این واقعیت اقامه کنند» (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷). این مسئله به اسلام محدود نیست، بلکه ادیان و آیین‌های دیگر نیز به ظهور فردی به عنوان منجی معتقد هستند (ر.ک: جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۳: سراسر کتاب)؛ با این تفاوت که مهدویت برای آنان همانند اسلام روشن نیست و آنان شکل مبهم و تحریف‌شده‌ای از مهدی را معتقدند (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

در شیعه اعتقاد به «مهدی شخصی» است، نه «مهدی نوعی»؛ زیرا نام و نسب او روشن است. رهبری در یکی از بیانات خود اشاره دارد که خصوصیت و تفاوت شیعه با دیگران در مقوله مهدویت آن است که مشخصات مهدی را می‌داند و شخص او را می‌شناسد (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲؛ ۱۳۷۰/۱۱/۳۰ و خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ص ۳۳۳). وی مسئله طول عمر را نکته‌ای ساده می‌داند؛ زیرا قدرت خداوند بر آن تعلق گرفته و لازم نیست محققان بخواهند دنبال آن بروند. اما نکته‌ای که باید تحقیق و تبیین شود، این است که آن بزرگوار فرزند امام عسکری علیه السلام است، با خصوصیتی که ما می‌شناسیم (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۳۵۷).

یک راه برای اثبات و محقق کردن این مطلب که مهدی فرزند امام عسکری علیه السلام است،

۱. منکران یا ناقدان احادیث مهدوی که شهرت دارند عبارتند از: ابن‌خلدون، رشید رضا، فرید وجدی، احمد امین و

عذاب الحمش (ر.ک: اکبرنژاد، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، ص ۲۶۱).

استدلال به احادیث اثناعشر است که همه مسلمانان اجمالاً آن را قبول دارند (رک: بخاری، ۱۴۰۱: ج ۸، ص ۱۲۷ و ابن حنبل، بی تا: ج ۵، ص ۸۶).

ولادت و حضور

تنها فرزند امام عسکری علیه السلام که به اعتقاد شیعه امامیه دوازدهمین حجت خدا و مهدی موعود است؛ در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق به دنیا آمد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۱۴ و مفید، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۳۳۹). برای ولادت او می توان به گزارش نسب شناسان ادوار مختلف از شیعه و سنی که در موضوع متخصص هستند، استدلال کرد؛ مانند بخاری (م ۳۴۱) در سرالسلسله، فخر رازی (م ۶۰۶) در شجره مبارکه و ابن عنبه در عمدة الطالب (بخاری، ۱۳۷۱: ص ۴۰؛ فخر رازی، ۱۴۱۹: ص ۹۲ و ابن عنبه، ۱۴۱۷: ص ۱۸۰). رهبری، به ویژه در سخنرانی به مناسبت نیمه شعبان بارها به ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف اشاره و این نکته را موضوعی روشن برای شیعه عنوان کرده است؛ زیرا پدر و مادر و مشخصات این امام برای شیعه معلوم است (خامنه ای، ۱۳۹۸: ص ۵۶). با این حال، بحث از حضور آن حضرت و احساس این حضور در بین مردم جایگاه مهم تری در بیانات ایشان دارد (همان، ص ۱۱۴ و ۱۲۱ و بیانات رهبری، ۹۰/۰۴/۱۸). از این رو مسئله طول عمر را نیز بسیار ساده می داند و می گوید خدایی که می تواند به انسان عمر ۱۴۰ ساله بدهد می تواند عمر ۱۴۰۰ سال هم بدهد (خامنه ای، ۱۳۹۸: ص ۱۱۷).

ظهور

دیدگاه رهبری درباره «ظهور» همانند دیگر مقوله ها همراه با رویکرد ضد استعماری است. ظهور از منظر ایشان وسیله حرکت و عامل نشاط ملت هاست (همان، ص ۶۶؛ و بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹). اعتقاد به ظهور مهدی این اعتقاد را پرورش می دهد که نظم ظالمانه جهانی قابل زوال است (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰). از ویژگی های دوران ظهور این است که اگر چه ممکن است انسان ها فرشته سان نشوند؛ مهم این است که در آن غلبه و قهر جمعی بر ملتی وجود ندارد (خامنه ای، ۱۳۹۸: ص ۲۶۲ و ۲۷۰). پس ظهور، زمینه ایجاد الگو برای حرکت و حکمت مسلمانان است و چشم انداز اوضاع پس از ظهور، الهام بخش این نکته است که جامعه اسلامی پیش از ظهور او باید مدلی از جامعه ای باشد که قرار است او بسازد (همان، ص ۲۵۷).



تحلیل ایشان درباره بالا رفتن درک مردم چنین است که برخی مطالبی که امروزه رایج است؛ همچون عدالت، آزادی و کرامت انسان، همان حرف‌های انبیاست؛ ولی در آن زمان‌ها قابل درک نبود. امام زمان ادامه همان سلسله انبیاست و مردم را به معارفی که آنان خوانده بودند، فرا می‌خواند (همان، ص ۴۸ و بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

ویژگی‌های دوران مهدی

از آن‌جا که دوران ظهور برای همه انسان‌ها اهمیت دارد و آرزو و آرمانی دینی و اجتماعی به شمار می‌رود؛ درباره چگونگی زندگی در آن دوره و وفور نعمت‌ها سخن فراوان گفته شده و روایات بسیاری نیز وجود دارند که از جعل و تحریف مصون نمانده‌اند. رهبری تأکید دارد که درباره دوران موعود آخرالزمان مطالعه و دقت شود و بحث‌های مفید انجام گیرد (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۰۹/۲۵). این اهتمام از برخی برداشت‌ها و تحلیل‌های وی درباره این دوران استفاده می‌شود؛ برداشت‌هایی که ممکن است الزاماً با اخبار سازگاری نداشته باشد. یک نمونه این‌که در آن دوران، زمین استعدادها و انرژی‌های نهفته خویش را بروز می‌دهد و بشر از آنچه در طبیعت ناشناخته بوده، بهره خواهد برد؛ آن‌هم به درستی، نه برای تخریب (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۲۶۳). اشاره و استناد وی در این قسمت به روایت «فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ» است که نخستین بار در کمال‌الدین (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۳۳۱) نقل شده و ممکن است در بررسی سندی با اشکال روبه‌رو باشد؛^۱ اما تحلیل وی فراتر از جمود بر روایت است؛ زیرا جامعه مهدوی را دوران شکوفایی استعدادها می‌داند.

نمونه دیگر درباره مدت حکومت مهدی است که در روایات از هفت تا نه سال (ابن حماد، ۱۴۲۳: ص ۲۶۸)؛ نوزده سال (مفید، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۳۸۶) و هفتاد سال (طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۲۹۰) عنوان شده است. اما دیدگاه رهبری بر آن است که ظهور، آن حضرت شروع تاریخ بشر و تمدن حقیقی است و مدت زمان حاکمیتی که آن حضرت رقم می‌زند، شاید به اندازه گذشته تاریخ بشر باشد. مستند ایشان آیه ۵۵ سوره نور است که خداوند وعده کرده است مؤمنان صالح را

۱. در سلسله اسناد این خبر، دو نفر ناشناخته وجود دارند.

بر روی زمین حاکم کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۲۶۰ و ۲۶۱). یا بر اساس آیه ۲۱ مجادله در آخرالزمان حکومت انبیا و جریان نبوت بر سر کار خواهد آمد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ص ۱۲۸). این برداشتی عالمانه است که فارغ از جمود بر آن همه روایات مشهور و با استفاده از اهداف مهدویت در اسلام تحلیل و بیان می‌شود. اگر بنا باشد منجی موعود جهان پس از قرن‌ها یا هزاران سال به حکومت برسد و فقط ده‌ها سال بر زمین مستقر باشد، با اهمیت موضوع و وعده‌های قرآن و سنت سازگاری نخواهد داشت.

از ویژگی‌های حکومت مهدی آن است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند. روایات بسیاری در این زمینه وجود دارند که شاید بتوان از آن به «متواتر» تعبیر کرد؛ زیرا این مضمون در منابع فریقین فراوان نقل شده است که «یملأ الارض قسطاً و عدلاً» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۳۸ و ابن حنبل، بی‌تا: ج ۳، ص ۱۷ و ۲۷). رهبری به دو نکته درباره این روایت و نقل‌های مرتبط با آن تفتن کرده و توجه داده است: نخست آن که در روایت، کلمه «بعد» نیست. این کلمه در دو دعا بیشتر نیامده که یک زیارت غیرمعتبر و دیگری هر چند زیارت خوبی است؛ سند درستی ندارد (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۱۱/۰۹). همه جا «کما مُلئت» است، نه «بعد ما مُلئت». احتمال دارد افزوده انشای سید علی خان مدنی باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۳۰۷). دوم آن که در روایات بر «عدالت‌گستری» مهدی در دوران ظهورش تکیه و تأکید شده است، نه «دین‌گستری». این بدان دلیل است که مردم بیش از همه چیز از ظلم و بیدادگری رنج می‌برند و نیاز به عدالت در آن زمان بیشتر است. ایشان می‌گویند: چه خصوصیتی برای آن بزرگوار ذکر می‌کنید: «الذی یملاً الله به الارض قسطاً و عدلاً»؛ نمی‌گویید که «یملأ الله به الأرض دیناً». این نکته خیلی مهمی است (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۰۴/۲۵).

بررسی و جست‌وجوی این حدیث، مؤید آن است که در منابع معتبر حدیثی تعبیر «کما مُلئت» وجود دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۳۸، ۳۴۱، ۵۲۶ و ۵۳۴ و صدوق، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۲۸۵ و ۲۸۷) و تعبیر «بعد ما مُلئت» اگر در کتاب‌های معتبر هم آمده باشد، در کلام مصححان و شارحان است، نه سخن معصوم. گویا برخی نویسندگان با تکیه بر حافظه، این حدیث را با کلمه «بعد»



نقل کرده‌اند و اگر موارد نادری در منابع کهن یافت شود ناشی، از تصحیف است.^۱

ج) متشابهات

بخشی از مباحث مهدوی را می‌توان «متشابه» قلمداد کرد؛ زیرا به مرحله اتقان و استحکام علمی نرسیده و موضوعی واضح و آشکار به شمار نمی‌روند. جزئیات زندگانی و احوال شخصی امام عصر و اخبار مربوط به ظهور و آینده جهان اسلام این‌گونه است. گفت‌وگو درباره آینده جز از کسی که به غیب متصل است، نشاید. بسیاری از روایات مربوط به آینده که اصطلاح «ملاحم» و «فتن» به آن اختصاص یافته، از معصوم نیست، بلکه آثار صحابه^۲ یا روایاتی ضعیف است و انگیزه جعل و تحریف درباره آن بسیار است.

چنین مباحثی سبب می‌شوند برخی از افراد دیدگاه‌های خاصی ارائه کنند که گروهی تحمل پذیرش آن را ندارند. از دیدگاه رهبری اگر کسی سخنی شاذ داشت که دیگری قبول ندارد، نباید آن را کفر انگارد، بلکه راه آن مباحثه و نقد علمی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ص ۵۷۵ و ۵۷۹).

احوال شخصی

یکی از مباحث محل اختلاف میان محدثان قدیم و محققان امروزی، اصل و نسب مادر امام زمان است. عده‌ای فقط نام او را ذکر کرده و او را «نرجس» می‌دانند (مسعودی، ۱۴۱۷: ص ۲۵۷ و مفید، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۳۳۹). گاهی نام‌های دیگری از گل‌ها برای او ذکر می‌شود (ابن ابی‌ثلج، ۱۴۱۰: ص ۱۲۴ و ۱۲۵؛ طوسی، ۱۴۲۵: ص ۳۹۳). نخستین بار شیخ صدوق داستانی نقل کرده، مبتنی بر این که این زن کنیزی از روم بود و به خانه امام هادی علیه السلام آمد و به عقد امام عسکری علیه السلام درآمد و سپس مادر امام زمان شد (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۴۱۷). کسانی این روایت

۱. حتی شیخ صدوق که در جای دیگر روایت را درست نقل کرده، در یک مورد، نه به عنوان حدیث، با تعبیر «بعد» از آن یاد می‌کند (کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶)؛ «ثم تأملنا أخبار الرسول ﷺ فوجدناها قد وردت بأن الأرض تملأ قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً برجل من عترته فدلنا هذا الحديث على أن القيامة لا تقوم على هذه الأمة إلا بعد ما ملئت الأرض عدلاً» (ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۱، ص ۲۷۷).

۲. «آثار» جمع اثر، به معنای سخن است. سخنانی از صحابه که به دلیل جایگاه آنان در میان اهل سنت، اعتبار یافته است، برای شیعیان اعتباری ندارد؛ جز آن‌که به رسول خدا ﷺ مستند باشد.

را نقد و رد کرده (حسین، ۱۳۶۷: ص ۱۱۵ و حسنی، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۵۱۵) و عده‌ای در صدد دفاع از آن بر آمده‌اند (صدر، ۱۴۱۲: ص ۲۵۰ و طیبی، ۱۳۹۲: ص ۲۶۲). نقلی هم «مریم علوی» را مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌داند (شهید، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۱۶). به نظر می‌رسد بحث درباره اصل و نسب و چگونگی ورود مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به خانه امام یازدهم که بر خبری واحد و روایتی داستانی مبتنی است؛ نه دارای اتقان است و نه دانشی سودمند در مقوله مهدویت به شمار می‌رود. در جایی دیده نشده است که رهبری به این بحث اشاره‌ای کرده باشد و استناد یا استدلالی برای یکی از اقوال بیاورد. به نظر می‌رسد سکوت رهبری درباره چنین مباحثی ناشی از نگاه عالمانه به موضوع و عدم ورود به مطالب غیر مفید است. مباحث مربوط به ازدواج، همسر و فرزندان آن حضرت نیز این‌گونه است.

درباره محل زندگی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز سخنان متشابه و غیر علمی بسیاری وجود دارد. تصور عامیانه ظهور امام زمان از سرداب سامرا، به دلیل روایتی است که آخرین بار آن حضرت را در آن جا دیدند (طوسی، ۱۴۲۵: ص ۲۴۸ و ۲۴۹ و راوندی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۴۶۰). اما این روایت منفرد بوده و به لحاظ سند دارای اشکال است و سبب حملات مخالفان شده است (صدر، ۱۴۱۲: ص ۳۳۰ و ۵۶۳). رهبری با توصیه به اهل علم برای مبارزه با خرافات (بدون هیچ ملاحظه و جدی گرفتن آن) چنان‌که روش علمای ما بوده است (بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۱۷)؛ به موضوع خرافی بودن و اتهام به شیعه درباره زندگی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در سرداب توجه داده و معتقد است بایستی با متانت و استدلال، نادرستی آن را روشن کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۳۵۷).

همچنین با ذکر این نکته که آن حضرت «در میان انسان‌ها در یک جای دنیا که ما نمی‌دانیم، زندگی می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۳۰۱)؛ بر برخی دیدگاه‌ها و روایات همچون جزیره خضرا خط بطلان می‌کشد. قابل ذکر است که بحث جزیره خضرا به دلیل روایتی طولانی است که مرحوم مجلسی در کتاب بحار آورده است و به دلیل شخصیت و جایگاه این عالم بزرگ شیعی، محل توجه قرار گرفت؛ در حالی که خود ایشان می‌نویسد: آن را در کتاب‌های معتبر نیافتیم (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۵۲، ص ۱۵۹).



جزئیات ظهور

بیش‌ترین مطالب نادرست در مهدویت به مقوله ظهور مربوط است. زمان و محل آن، یاران و چگونگی و علائم ظهور از مقولاتی است که دستخوش زیاده و نقصان بسیار شده است؛ زیرا انگیزه جدی برای جعل و تحریف در این زمینه وجود داشته و دارد (آیتی، ۱۳۹۵).

در این زمینه که محل ظهور مهدی شهر مکه (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۶۲)؛ یا یمن (خزاز، ۱۴۱۰: ص ۱۵۰ و ابن طاووس، ۱۴۱۶: ص ۲۷۸) و محل حکومتش کوفه (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۳۱؛ ج ۴، ص ۵۷۲ و مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۵۲، ص ۲۲۵)؛ باشد یا ظهور از نظر روز و ماه و سال چه زمانی خواهد بود؛ روایات بسیاری در کتاب‌های شیعه و اهل سنت وجود دارند و افراد بسیاری به آن روایات دامن زده‌اند. همچنین درباره یاران امام عصر عجل الله تعالی فرجه از نظر تعداد، تابعیت و شهرهای محل سکونتشان، سخنان غیر علمی بسیار گفته شده است (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ص ۲۸۸ به نقل از کتاب الفتن سلیلی). به نظر می‌رسد به دلیل ضعف این مطالب، سخنی از رهبری در این باره ملاحظه نمی‌شود. مثلاً درباره زمینه ساز بودن ایرانیان برای ظهور، سخن فراوان گفته می‌شود (کورانی، ص ۱۵۷ تا ۱۸۴؛ هاشمی شهیدی، سراسر کتاب) و اگر رهبری انقلاب اسلامی ایران نیز به برخی مطالب ضعیف اعتماد داشت، در این باره فراوان سخن می‌گفت چه این که فضای سیاسی- اجتماعی طلب می‌کند این گونه مطالب ترویج شود؛ اما جست‌وجوها نشان می‌دهد مطلب مذکور در بیانات ایشان جایی ندارد.

از مهم‌ترین تشابهات مهدویت موضوع «نشانه‌های ظهور» است که روایات فراوانی درباره آن وجود دارند. هر چند این روایات در کتاب‌های معتبری چون کافی و دیگر کتب اربعه به ندرت یافت می‌شوند؛ محدثان و عالمان بزرگی چون صدوق، نعمانی، مفید و طوسی به وفور آن‌ها را روایت کرده‌اند. بی‌تردید همزمانی آنان با دولت بنی‌عباس و زندگی در آن زمانه سبب شده که این روایات را نقل و به آن اعتماد و چنین تصور کنند که حوادث ظهور در آینده نزدیکی معاصر با آن دولت رخ خواهد داد. به نظر می‌رسد نگاه عالمانه به روایات با بررسی منبع، سند و متن آن‌ها؛ همچنین نگاهی دوردور به نشانه‌ها و بستر تاریخی‌شان، با اعتماد تام و تمام به آن‌ها سازگار نیست و این، مشکلی است که امروزه با حرکت‌های عوامانه و تطبیق‌ها و سوء استفاده‌ها، فراوان به چشم می‌خورد.



به رغم این همه روایت درباره نشانه‌ها، رهبری نه تنها عبارتی در تأیید و توضیح آن بیان نکرده، بلکه هشدار می‌دهد که بعضی از این سخنان قطعی نیست و روایات آن غیر معتبر و ضعیف است و نمی‌توان به آن‌ها استناد کرد. مواردی هم که قابل استناد است، قابل تطبیق نیست (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

نهی از تطبیق

«تعیین مصداق» و «تطبیق» دادن یک معیار یا نشانه بر فرد یا گروه، دارای پیشینه‌ای طولانی است و در تاریخ به وفور رخ داده است. احادیث فراوان درباره مهدی و نشانه‌های او و اعتقاد مسلمانان به نجات دهنده و عدالت گستر بودن او سبب شد در طول تاریخ بعد از اسلام، مدعیانی خود یا افراد مورد نظر خود را بر این روایات تطبیق دهند. حتی حضور این افراد یا گروه‌ها در سده‌های نخست اسلام این ظرفیت را برای آنان ایجاد کرد که احادیثی را به پیامبر یا یکی از معصومان یا صحابه نسبت دهند یا گفته‌های آنان را تحریف کنند. عباسیان که از مدعیان مهدویت بودند یا فرقه‌هایی از شیعه که یکی از ائمه علیهم‌السلام را آخرین امام دانستند، به تحریف روایات یا تطبیق آن‌ها بر خود پرداختند (ر.ک: صادقی، ۱۳۸۶: ص ۷۲ و ۱۱۷).

این تطبیق‌ها در عصر حاضر هم بسیار اتفاق افتاده و افرادی در آثار خود به مصداق تراشی روی آورده‌اند. شخصی را «خراسانی» و دیگری را «سفیانی» یا «نفس زکیه» یا «شعیب بن صالح» می‌دانند. اما مقام معظم رهبری این کار را «غلط و انحراف» می‌داند. از جمله این موارد نادرست، تطبیق اشعار شاه نعمت‌الله ولی بر افراد در طول سال‌های متمادی ذکر کرده است (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸). در جای دیگر می‌گویند: علمای دین باید در مقابل تحریف دین ساکت ننشینند (همان، ۱۳۷۹/۰۶/۲۰).

با توجه به این بیانات، آنچه در این میان جای شگفتی دارد، اصرار برخی افراد درباره تطبیق «سید خراسانی» بر مقام معظم رهبری است.^۱ در حالی که تعبیر «سید خراسانی» در هیچ روایتی

۱. برای نمونه رجوع کنید به وبلاگ قفسه که با تنظیم مطالبی در صدد اثبات خراسانی بودن آیت‌الله خامنه‌ای است:

<https://ghafase.blogspot.com/۱۳۹۱/۱۱/۱۳/post-۱۹۹۱/>

<http://u۳۱۳-sup.blogfa.com/post/۴۰>

و در وبلاگ موج بشارت به ظهور:

نیامده و یکی دو روایتی که چنین نشانه‌ای از آن برداشت می‌شود، فاقد اعتبار است (سلیمان، ۱۳۹۸: ص ۴۹۲). گفته می‌شود ایشان در برخی محافل نسبت به این کار نیز واکنش نشان داده و آن را نادرست دانسته است.

ادعیه و زیارات

درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعاها و زیارت‌هایی رسیده که یکی از آن‌ها دعای مشهور «ندبه» است (رک: مشهدی، ۱۴۱۹: ص ۵۷۳). برخی بررسی‌های سندی و متنی انجام شده درباره این دعا، با رویکرد پذیرش به آن می‌نگرد (ری شهری، ۱۳۹۳: ج ۶، ص ۱۴۵). در سخنان رهبری دو گونه دیدگاه یافت می‌شود: گاه درباره جامعه مهدوی به این دعا استناد شده (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ص ۳۳۴، ۳۳۸ و ۳۴۴ و همان، ۱۳۹۸: ص ۴۷، ۲۶۵، ۲۶۶ و ص ۲۹۷ تا ۳۰۱) و گاه آن را «خطابه‌ای غرا» از باورها و شکواییه‌های فرقه امامیه در طول تاریخ می‌داند (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲). تعبیر به «خطبه غرا»ی شیعیان می‌تواند اشاره و إشعار به احتمال عدم صدور آن از سوی معصوم باشد؛ چنان‌که می‌گوید: این دعا در دوران غیبت از سوی بزرگان شیعه تولید شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۲۹۸ و بیانات در جمع علما و روحانیون خراسان رضوی).

رؤیت

رؤیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت کبرا محل اختلاف میان محققان بوده^۱ و به رغم آن‌که کتاب‌هایی درباره این موضوع و تشریف یافتگان نوشته شده است؛ برخی آن را در این دوران غیر ممکن می‌دانند؛ زیرا خود آن حضرت هر گونه ادعای مشاهده را منع کرده‌اند (دوزدوزانی، ۱۴۱۲ و ذاکری، ۱۳۷۸: ص ۴۵).

درباره رؤیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دو بیان از رهبری وجود دارد: نخست، اصل رؤیت است و این‌که عده‌ای آن حضرت را دیده و سخن او را شنیده‌اند؛ اعم از این‌که او را شناخته یا نشناخته‌اند

→

<https://www.aparat.com/v/4nK9>

و سخنرانی پناهیان در اثبات سید خراسانی بودن رهبری:

۱. بررسی آرا درباره ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (رک: صمدی، ۱۳۸۶: ص ۹).



(بیانات، ۱۳۷۸/۰۹/۰۳). در این مورد نقل‌های درست و متقن وجود دارند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۳۶۰ و دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی مهدی موعود، ۱۳۸۰/۱۰/۰۶). موضع دوم آن‌که از ادعاهای تشرف یا اقتدا به امام زمان در نماز، با تعبیر «کاملاً خرافی و شرم‌آور» یاد کرده و این‌ها را از پیرایه‌های باطل بر حقیقت روشن مهدوی می‌داند که هیچ‌کدام قابل تصدیق نیست و بزرگان ما چنین ادعاهایی نکرده‌اند و اگر انسان سعادت‌مندی به این ظرفیت برسد، اهل گفتن نیست (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷). از این دو سخن برداشت می‌شود که ایشان همانند مشهور عالمان شیعه، اصل رؤیت را ممکن می‌داند؛ با این توضیح که اگر کسانی آن حضرت را دیده‌اند، دم بر نیاورده و آن را اعلام نکرده و ادعایی نداشته‌اند. وی معتقد است کسانی که ادعای شنیدن صدای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را دارند، اگر انسان‌های دروغگویی نباشند، چیزی را تصور کرده و تخیلات خود را نقل کرده‌اند (همان، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

رهبری با تکیه بر عمل صالح به جای دیدار امام عصر می‌گوید: به واجبات عمل کنید و از محرّمات بپرهیزید (همان، ۱۳۸۲/۱۱/۲۱ و خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۱۲۸).

نتیجه‌گیری

مراجعه به سخنان و دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که هر چند رویکرد ایشان درباره انتظار و مهدویت با توجه به جایگاه سیاسی-اجتماعی وی، انتظار برای دستیابی به عدالت و مقابله با ستمگران است؛ بر برخورد علمی و رویکرد عالمانه بر این موضوع نیز تأکید می‌ورزد. از این رو در موارد کم‌تری به دیدگاه‌های علمی ایشان می‌توان دست یافت. این موارد اندک عبارتند از: توجه به اصالت موعود و اتفاق نظر ادیان و مذاهب درباره آن؛ تأکید بر انتظار مثبت و پیش‌برنده جامعه؛ نگاهی نو به دوران حکومت و آغاز زندگی؛ بی‌توجهی به مباحث بی‌فایده، یا کم‌فایده مانند احوال شخصی؛ نهی از خرافات و بیان‌های ضعیف، به خصوص درباره مدعیان و همچنین نهی از تطبیق علائم بر افراد خاص.



منابع

۱. ابن ابی الثلج، محمد بن عبدالله و دیگران (۱۴۱۰ق). *تاریخ اهل البیت*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۲. ابن حماد، نعیم (۱۴۲۳ق). *الفتن*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳. ابن حنبل، احمد (بی تا). *المسند*، بیروت، دار صادر.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب*، قم، انتشارات علامه.
۵. ابن طاووس، رضی الدین علی (۱۴۱۶ق). *التشریف بالمتن فی التعریف بالفتن* (معروف به ملاحم)، اصفهان، گلبهار.
۶. ابن عنبه، احمد (۱۴۱۷ق). *عمدة الطالب*، قم، انصاریان.
۷. ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت، دارصادر.
۸. اکبر نژاد، مهدی (۱۳۸۸). *بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت*، قم، بوستان کتاب.
۹. آیتی، نصرت الله (تابستان ۱۳۹۵). «تطبیق نشانه‌های ظهور در گذر تاریخ»، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، ش ۳۸.
۱۰. بخاری، ابونصر (۱۳۷۱). *سلسلة العلویة*، قم، رضی.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق). *صحیح البخاری*، بیروت، دارالفکر (افست دارالطباعة استانبول).
۱۲. پژوهشکده باقرالعلوم (۱۳۷۳). *موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام*، قم، دارالمعروف.
۱۳. جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۳). *گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، قم، دانشگاه ادیان.
۱۴. جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۸). *چکیده مقالات همایش انتظار در اندیشه آیت الله خامنه‌ای*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۵. حرانی، حسن بن علی ابن شعبه (۱۳۶۳). *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.
۱۶. حسنی، هاشم معروف (۱۳۸۲ق). *سیره الأئمة الاثني عشر*، نجف، حیدریه.
۱۷. حسین، جاسم (۱۳۶۷). *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، ترجمه: سید محمد تقی آیت‌اللهی، تهران، امیرکبیر.
۱۸. خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۰). *روشنای علم*، مؤسسه انقلاب اسلامی.
۱۹. _____ (۱۳۹۱). *انسان ۲۵۰ ساله*، تهران، مؤسسه جهادی.
۲۰. _____ (۱۳۹۳). *مروری بر مبانی روش و قواعد تفسیری*، تهران، نسیم انقلاب.
۲۱. _____ (۱۳۹۶). *تفسیر سوره براءت*، تهران، مؤسسه انقلاب اسلامی.
۲۲. _____ (۱۳۹۷). *تفسیر سوره مجادله*، تهران، مؤسسه انقلاب اسلامی.
۲۳. _____ (۱۳۹۸). *ما منتظریم، خورشید مهدویت در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*، تدوین: حسن ملایی، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲۴. خزاز قمی، علی (۱۴۰۱ق). *کفایة الاثر*، تحقیق: کوهکمری، قم، بیدار.
۲۵. خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*، قم، هجرت.
۲۶. دوزدوزانی، یدالله (۱۴۱۲ق). *تحقیق، لطیف حول التوقيع الشريف*، قم، سیدالشهداء.
۲۷. ذاکری، علی اکبر (۱۳۷۸). *ارتباط با امام زمان در عصر غیبت*، چاپ شده در کتاب چشم به راه مهدی، قم، دفتر تبلیغات.
۲۸. راوندی، قطب الدین سعید (۱۴۰۹ق). *الخرائج والحرائج*، قم، مؤسسه الإمام المهدی.
۲۹. ری شهری، محمد محمدی با همکاری محمد کاظم طباطبائی و جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۳). *دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف*، قم، دارالحدیث.
۳۰. سلیمیان، خدامراد (۱۳۹۸). *بررسی تحلیلی روایات نشانه‌های ظهور*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۱. سید رضی، محمد بن الحسین (۱۴۱۷ق). *نهج البلاغه*، ترجمه: صبحی صالح، قم، جامعه مدرسین.
۳۲. سیمایی، مهدی (۱۳۹۸). *مشهورات بی اعتبار در تاریخ و حدیث*، قم، طه.
۳۳. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق). *الدروس الشرعیه*، قم، جامعه مدرسین.
۳۴. صادقی، مصطفی (۱۳۸۶). *تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۵. صدر، سید محمد (۱۴۱۲ق). *تاریخ الغیبه الصغری*، بیروت، دارالتعارف.
۳۶. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۵ق). *کمال الدین*، قم، جامعه مدرسین.
۳۷. صمدی ارزگانی (بهار ۱۳۸۶). *تأملی در باب ارتباط و ملاقات با امام زمان*، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، ش ۱.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق). *اعلام الوری*، قم، آل البيت علیهم السلام.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *مصباح المتجهد*، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه.
۴۰. _____ (۱۴۲۵ق). *الغیبه*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۴۱. طبیبی، ناهید (۱۳۹۲). *پژوهشی نو درباره مادر امام زمان*، قم، بوستان کتاب.
۴۲. فخر رازی، محمد (۱۴۱۹ق). *الشجرة المبارکة*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
۴۳. کلینی، محمد (۱۴۰۷ق). *الکافی*، بیروت، دارالاضواء.
۴۴. کورانی، علی (۱۴۳۰ق). *عصر الظهور*، قم، درالهدی.
۴۵. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). *بحار الانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۶. مسعودی، علی بن الحسین (۱۴۱۷ق). *اثبات الوصیة*، قم، مؤسسه انصاریان.
۴۷. مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، *المنار الکبیر*، قم، جامعه مدرسین.
۴۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *مجموعه آثار، (انسان کامل)*، قم، صدرا.
۴۹. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۶ق). *الارشاد*، بیروت، مؤسسه آل البيت.

۵۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبة*، تهران، صدوق.
۵۱. هاشمی شهیدی، اسدالله (۱۳۸۲). *زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف*، قم، پرهیزکار.
۵۲. سایت دفتر مقام معظم رهبری www.farsi.khamenei.ir/speech

